خارج اصول

جلسه48 \* چهارشنبه 27/ 9/ 98

موضوع: اقسام واجب

تحقیق و جمع بندی مطالب گذشته

اگر استحباب طهارات ثلاث در هر سه قسم آن حتی تیمّم، بعنوان استحباب نفسی ثابت شود و در مسأله ی تیمّم، روایت «التراب یکفیک عشر سنین» را برای استحباب نفسیِ تیمّم، کافی بدانیم، اشکال مذکور از نظر عبادت و ثواب، رفع شده و عبادیّت و ثواب داشتن آنها تأمین می شود.

اما عبادیّت تأمین می شود زیرا امر نفسی استحبابی به ضمیمه ی حکم عقل و اجماع بر لزوم قصد امتثال هر امر عبادی، مشکل عبادت را رفع می کند.

اما ثواب-که بمعنای آن است که مکلّف با انجام طهارت، اهلیّت تفضّلِ ثواب پیدا می کند-تأمین می شود زیرا هر مکلّفی که قصد امتثال امر مولوی کند، خود را مطیع مولا قرار داده است که مستلزم تفضّل مولا در حقّ او می باشد؛ پس هرگاه مکلّف به امر نفسی توجّه کند و وضو بگیرد یا غسل کند یا تیمّم کند، در حالیکه قصدش مطلوبیّت طهارت از ناحیه ی شارع باشد­، انجام هر یک از این سه عمل-قبل از وقت ذی المقدّمه باشد یا بعد از وقتِ ذی المقدّمه-، موجب عبادیّت و ثواب داشتن آنهاست .

امّا اگر بعد از وقت با غفلت از امر نفسی آنها، مشغول طهارت شود، برای رفع مشکل عبادت و ثواب، باید به فرمایش محقّق نائینی ملتزم شویم و بگوییم: مکلّف قصد می کند امتثال امر نفسیِ تحلیلیِ ذی المقدّمه را، در حالیکه اتیان می کند شرط واجبی را که معادل جزء است از این جهت که تقیّد ذی المقدّمه به آن شرط، همانند تقیّد ذی المقدّمه به أجزاست.

و می توان بدینوسیله فرمایش صاحب معالم را بر فرمایش محقّق نائینی منطبق کنیم آنجا که می گوید: در واجب غیری باید قصد توصّل به ذی المقدّمه شود و قصد توصّل یعنی قصد غایت؛ زیرا امر غیری امتثال نمی شود مگر اینکه قصد توصّل به غیر، محقّق شود و روح معنای امر غیری، فرمایش صاحب معالم است؛

در نتیجه ملاک عبادیّت طهارات ثلاث عبارت است از توصّل بوسیله ی امر غیری به آن غیر؛ و حقیقت توصّل، جز اتیان ذی المقدّمه بر وجه صحیح، چیز دیگری نیست؛ و این معنای آن است که طهارات ثلاث، شرط فعل واجب می باشند و قصد توصّل طهارات را نازل منزله ی جزء قرار می دهد و بوسیله ی وجوب نفسی واجب، واجب می شوند؛ و امر غیری، جز آلیّت و طریقیّت و راه وصول به امر غیری، شأنی ندارد. و این بیان، مکمّل بیان صاحب کفایه است آنجا که کلام صاحب معالم را توضیح می دهد؛[[1]](#footnote-1) و این با فرمایش شیخ در توضیح کلام صاحب معالم سازگاری ندارد و بعبارة أخری توضیح شیخ برای کلام صاحب معالم، مطابق با مرام او نیست علاوه بر اینکه از جهت ساختاری نیز محلّ نقد و اشکال است.[[2]](#footnote-2)

(پایان)

1. . الثاني -اعتبار قصد التوصل في الطهارات و عدمه‏-: أنه قد انقدح مما هو التحقيق في وجه اعتبار قصد القربة في الطهارات صحتها و لو لم يؤت بها بقصد التوصل بها إلى غاية من غاياتها نعم لو كان المصحح لاعتبار قصد القربة فيها أمرها الغيري لكان قصد الغاية مما لا بد منه في وقوعها صحيحة فإن الأمر الغيري لا يكاد يمتثل إلا إذا قصد التوصل إلى الغير حيث لا يكاد يصير داعيا إلا مع هذا القصد بل في الحقيقة يكون هو الملاك لوقوع المقدمة عبادة و لو لم يقصد أمرها بل و لو لم نقل بتعلق الطلب بها أصلا.و هذا هو السر في اعتبار قصد التوصل في وقوع المقدمة عبادة لا ما توهم \* من أن المقدمة إنما تكون مأمورا بها بعنوان المقدمية فلا بد عند إرادة الامتثال بالمقدمة من قصد هذا العنوان و قصدها كذلك لا يكاد يكون بدون قصد التوصل إلى ذي المقدمة بها فإنه فاسد جدا ضرورة أن عنوان المقدمية ليس بموقوف عليه الواجب و لا بالحمل الشائع مقدمة له و إنما كان المقدمة هو نفس المعنونات بعناوينها الأولية و المقدمية إنما تكون علة لوجوبها. (كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 113)

   \*مطارح الانظار/ 72، في تنبيهات الهداية 12. [↑](#footnote-ref-1)
2. . هداية-عدم توقف وجوب الواجب الغيري على إرادة الغير-زعم صاحب المعالم- على ما يوهمه ظاهر عبارته في بحث الضدّ- توقّف وجوب الواجب الغيري على إرادة الغير، و قال: و أيضا فحجّة القول بوجوب المقدّمة على تقدير تسليمها إنّما ينهض دليلا على الوجوب في حال كون المكلّف مريدا للفعل المتوقّف عليها، كما لا يخفى على من أعطاها حقّ النظر.\* و بالجملة، فلا إشكال في فساد التوهّم المذكور. (مطارح الأنظار ( طبع جديد )، ج‏1، ص: 353)

   \*معالم الدين: 71. [↑](#footnote-ref-2)